



کودکان و شعر

(بخش دوم)

مینا مانی قلم

بخش دوم:

شعر دارای معناهای چندگانه و چند لایه است و همانند گونه‌های دیگر ادبی، به گونه‌های متفاوت برداشت می‌شود. معنایی که کودکان خلق می‌کنند، مستقیماً به تجربه‌های‌شان در فهم مطالب بازمی‌گردد. درحالی که آن چه ما می‌بینیم، از طریق دانسته‌های پیشین دریافت می‌شود.

واژه در جایگاه معنا

تری (Terry)، در سال ۱۹۷۴، شعر «توستر» (سرخ‌کن) ویلیام جی اسمیت (William G. Smith) را برای کودکانی با سن و سال گوناگون خواند و از آن‌ها خواست برداشت خود را از شعر، نقاشی کنند. در شعر اسمیت، سرخ‌کن، به یک اژدهای پوست نقره‌ای تشبیه می‌شود. کودکان دبستانی، با شنیدن این شعر، واقعاً باور می‌کنند که سرخ‌کن یک اژدهاست و در نقاشی‌های‌شان، اژدهایی با دهان آتشین می‌کشند و نشان می‌دهند که شعر را به

به خواننده، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ابزارها عبارتند از: زبان مجازی، تخیل، زبان اشاره و بیان ضمنی. شاعران از ابزارهای شعری برای این منظور استفاده می‌کنند که بگویند معنای واژه‌ها، فراتر از آن چیزی است که می‌بینیم و یا می‌شنویم. در شعر، چیزی که بیان نشده و پنهان مانده، اغلب مهم‌تر از آن چیزی است که به نمایش گذاشته می‌شود.

در شعر «صغیر با مدادی»، سروده لیلیان موریسون (Lillian Morrison) می‌خوانیم:

سپیده چشم می‌گشاید
و خورشید دزدانه اوج می‌گیرد
روز می‌شکند
خورشید پا روی بام خانه‌ها می‌گذارد
ابرها به شکار خورشید می‌آیند
و سپس تکه‌تکه می‌شوند
شب در می‌رسد
و ساعت، آهنگ نیم شب را می‌نوازد

صورتی حقیقی و عینی درک کرده‌اند. کودکان سال‌های آخر دبستان، هرچند توستر را شبیه اژدها کشیده‌اند، این کار به گونه‌ای صورت گرفته که نشانگر درک آن‌ها از کاربرد مجازی زبان در شعر است.

همه شعرها، معناهای پنهان ندارند: هرچند بیشتر آن‌ها پیام‌هایی ظریف و زیرکانه را در خود گنجانده‌اند. در هر حال، بیشتر شعرها در بردارنده گفت و گوها و توضیحات شخصیت‌های شعری، بیان احساسات و شرح رویدادهاست. چنانچه اصرار بورزیم که کودکان به جست و جوی معناهای پنهان در شعر بپردازند، علاقه آن‌ها را از دست خواهیم داد. همان گونه که «آلیس» پس از خواندن کتاب "Tabber Wocky" گفت:

«می‌دانم که توی سرم افکار عجیب و غریب موج می‌زنند، مسئله این است که نمی‌توانم از آن‌ها سر دریاورم.»

ابزارهای شعری در بیان موضوع و انتقال معنا

زبان مجازی (استعاره)، معنایی پدید می‌آورد که در فراسوی شکل ظاهری واژه‌ها قرار دارد. زبان مجازی در شعر کاربرد فراوان دارد و بر معنا آفرینی تأثیر می‌گذارد. استعاره، تشبیه و انسان‌انگاری، زبان شعر را از زبان نثر جدا می‌کند. همان گونه که شاعران، گاه تجربه‌های خود را با زبانی ساده و روشن با ما در میان می‌گذارند، از زبان استعاره نیز برای یاری رساندن به ما و رسیدن به نگاه‌های تازه و حس‌های جدید استفاده می‌کنند. کاربرد واژه‌های خاص و منحصر به فرد، زبان مجازی را درگیر خود می‌کند. این ویژگی، در شعر «همیشه به قافیه نیاز نیست»، سرودهٔ ایوه مریام با عنوان «استعاره» چنین دیده می‌شود:

استعاره
صبح، کاغذ سفیدی برای توست
تا بر آن چیزی بنویسی
هرچه که می‌خواهی بگویی
تمام روز تا شب
بنویس و تا بزن
و نوشته‌هایت را بایگانی کن
واژه‌های روشن، واژه‌های تیره
همگی رفته‌اند
تا بر سپیده‌دمی دیگر
و روزی دیگر
نوشته شوند.

کودکان نیازمند آن هستند که درک زبان استعاره و استفاده از آن را فراگیرند و به این ترتیب ارزش‌های شعری را پاس دارند. میزان درک و فهم کودکان از زبان استعاره، به گسترهٔ دانسته‌های پیشین آنان وابسته است. کودکان کم‌سال‌تر، به استعاره‌ها شکلی عینی و فیزیکی می‌دهند، نه شکلی روان‌شناختی و پیچیده. تشبیه بوته‌های پوشیده از برف، به دانه‌های سفید ذرت بو داده و دانه‌های درشت انگور، به ماشین‌های گرد سرپوشیده، برای کودکان معنادارتر از ترکیب «قلب سنگی نگهبان زندان» است. کودکان کم‌سال‌تر، با شنیدن این تعبیر، شکل ظاهری قلب نگهبان زندان را واقعاً به صورت یک سنگ مجسم می‌کنند.

هم چنان که کودکان در استفاده از گنجینهٔ زبان، روز به روز خردمندانه‌تر رفتار می‌کنند، کم‌کم می‌آموزند که چگونه زبان استعاره به کمک معنا می‌آید و شعر چگونه به محتوایی ژرف‌تر دست می‌یابد. کاربرد تشبیه - در آن جا که قرار است چیزی با چیز دیگری مقایسه شود - و کاربرد استعاره - آن جا که قرار است چیزی جای دیگری را بگیرد - به پیچیدگی زبان می‌انجامد. واژه‌هایی «مانند» و «چون» در استفاده از تشبیه و مقایسه به کار می‌آید.

مقایسه در استعاره، جای خود را به جایگزینی واژه‌ای با واژهٔ دیگری می‌دهد. ایوه مریام در شعر یاد شده، با استفاده از صبح، به عنوان یک ورق کاغذ سفید، کاربرد استعاره در شعر را نشان می‌دهد. انسان‌انگاری (تشخیص Personification)، معرفی یک پدیده یا ذهنیتی است که کنش‌های انسانی دارد. هنگامی که می‌گوییم «ثروت به ما لیخند می‌زند» یا «اگر هوا اجازه دهد»، کنشی انسانی به ثروت و هوا می‌دهیم. در شعر، اغلب اندیشه‌ها و احساسات انسانی، به گیاهان و جانوران داده می‌شود. والرئ ورت (Valeri Worth) در شعر «جیرجیرک‌ها»، از ویژگی انسان‌انگاری استفاده کرده تا ذهنیت‌هایی روشن و عجیب بیافریند. در نگاه او جیرجیرک‌ها حرف می‌زنند و علف‌های خشک نجوا می‌کنند.

در شعر «آواز باران آوریل»، نوشته لنگستون هیوز (Langston Hughes) آن زمان که گفته می‌شود: «بگذارید باران شما را ببوسد و برای تان لالایی بخواند»، از ویژگی انسان‌انگاری استفاده کرده است. لیلیان مور (Lilian Moore)، در شعر «ساخت و ساز» از کتاب «فکر می‌کنم صدای شهر را شنیدم» و «اتفاق جدیدی می‌افتد»، از ویژگی انسان‌انگاری به فراوانی استفاده کرده است:

ساخت و ساز
دهان بزرگ
می‌چود
تکان می‌خورد
طعمه‌اش را بالا می‌برد
و برمی‌گردد تا
بیشتر بردارد
بازوی عظیم
می‌چرخد و دور می‌زند
با تیر آهنی
برای طبقهٔ چهارم
آن پایین
مرد لاغری
به آن‌ها می‌گوید
تکه‌های آسمان خراش را
کجا بگذارند

شاعران، تصویرسازی (ایماژ) و تخیل آفرینی در شعر را با استفاده از واژه‌ها، به شیوه‌ای به کار می‌برند که احساسات ما را درگیر کند. ما می‌توانیم آن‌چه آن‌ها توصیف می‌کنند، ببینیم، بچشمیم، لمس کنیم، بو کنیم و یا بشنویم؛ هر چند بخشی از تصویرهای مورد نظر شاعر، هنگام خواندن شعر از دست می‌رود. لیلیان مور در شعر خود، آن جا که از

ماه سپتامبر سخن می‌راند، در ترکیب‌های شعری: «خونی که در برکه ریخته می‌شود، کلمه‌های قرمزی بر جای می‌گذارد که تازه است.»، از عناصر خیال‌انگیزی و انسان‌انگاری استفاده می‌کند. والرئ ورت، در کتاب «تمام شعرهای کوتاه»، زمانی که قاصدک را به یک ماه با دهانه‌های آتشفشانی‌اش مقایسه می‌کند، تخیل و ذهنیت خود را به نمایش می‌گذارد:

قاصدک
بیرون از محوطه سبز
خورشید، کنار ساقه‌های شکسته گندم
تمام روز می‌درخشد
و ماه با دهانه‌های آتشفشانی‌اش
می‌سوزد
در عرض یک هفته، از هم می‌گسلد
به خاک بدل می‌شود
و کشتزارهای پهناور را
با دانه‌های پرستاره‌اش
بذر افشانی می‌کند
باربارا اسبنسن (Barbara Esbensen)،
در شعر «واژه‌ها، با زانوان چین خورده»، چنین
ایماژی می‌آفریند:
با مدادتان لمسش کنید
شالاپ!
سرزمین واژه‌ها خیس شد
و قورباغه بر صفحه‌ای
چمباتمه زد
سیر می‌شود با غذای ساده‌اش
غذایی از بال‌های کوچک
شبهه آن چه این جا، میان علف‌هاست
زبان قورباغه به تندی تکان می‌خورد،
می‌درخشد
و بال‌های ظریف را
گرفتار می‌کند
شعری کوچک
ناپدید می‌شود

اصطلاح «اشارهٔ لفظی»، به معنای واقعی و ادبی کلمه یا جمله باز می‌گردد و اصطلاح «اشارهٔ ضمنی»، به معنای مجازی ارائه شده‌ای بازمی‌گردد که هاله‌های معنایی متفاوتی را دربرمی‌گیرد و به برداشت‌های گوناگون خوانندگان و شنوندگان شعر مربوط می‌شود. مثلاً کاربرد واژهٔ «آب» در شعر، جنبه‌های ذهنی گوناگونی را دربرمی‌گیرد و به گونه‌هایی از آن بازمی‌گردد که بیش از هر زمان دیگری می‌توان از آن لذت برد. خنکی، زیبایی، پاک، تازگی و لذت بردن، گونه‌هایی از این برداشت‌های ذهنی است. از سوی دیگر، شنیدن واژهٔ «آب»، برای کسی که پیش از

آن خطر غرق شدن را تجربه کرده، هراس می‌آفریند. واژه‌ها در شعر می‌تواند در معنای حقیقی و مجازی‌شان به کار روند. کاربرد واژه‌ها در شعر، با بار معنایی بیشتری نسبت به محتوای واژگانی آن‌ها همراه است. «اشاره‌های ضمنی»، معنا را غنا می‌بخشد. گاهی نیز بازی‌های آوایی، با معناهای مجازی همراه می‌شود و الگوهای خوشایندی در شعر پدید می‌آورد. در شعر «پدیده‌های زمینی، هوایی و دریایی»، اشاره‌ی ضمنی «پنجره‌های لکه‌دار» برای گفت و گو از زبان سنجاقک‌ها استفاده شده است.

سنجاقک

از فراز آب‌ها می‌گذرد

در جستجوی حشرهای کوچک

بال‌های گشوده‌اش، سریع و ناپیاد است

پایین می‌آید

و زیر نور آفتاب، بر فراز حوض می‌ایستد

بال‌هایش به هم می‌خورند

و پنجره‌های پر از لک

هم چنان زیر نور آفتاب

برق می‌زنند

شاعران خوب، از ترفندهای شعری به گونه‌ای استفاده می‌کنند که آن‌ها را در گسترش معنا و مفهوم یاری برساند. آشنایی کودکان با نمونه‌های درخشان چنین کاربردهایی، می‌آموزد که چگونه از توانایی‌های گسترده‌ی زبان استفاده کنند و آن را وسعت دهند و ارزش این توانایی‌ها را درک کنند. این آشنایی، سبب می‌شود که آن‌ها در نوشته‌های خود، چنین فرآیندهایی را دنبال کنند و به کار ببرند.

گونه‌های شعری

شعر، گونه‌های متفاوتی چون: شعر روایی (منظومه)، شعر تغزلی، شعر آزاد، هایکو، شعرهای انتزاعی، شعرهای بی‌معنی (هیچانه)، قصیده و غزل را دربرمی‌گیرد. آموزگاران دوران‌دانش، در نخستین گام، با خواندن شعرهای فکاهی و روایی، کودکان را با شکل‌های گوناگون و گسترده‌ی شعر آشنا می‌کنند. این آشنایی، به گسترش توانایی‌های کودکان در فهم بیشتر موضوع و علاقه آنان به شعر می‌انجامد.

شعر در قالب‌های گوناگون نمودار می‌شود و نوع چینش قطعات شعر و شکل‌های دیداری آن که بازتاب شکل‌گرایی در شعر است، بر روش شعرخوانی و استنباط معنایی از آن اثر می‌گذارد. گونه‌های شعر، به روشنی تعریف شده است و با آن که شاعران بارها و بارها قالب‌های کهن و قراردادی

را در هم می‌شکنند، مهارت در معناآفرینی واژه‌ها، در همه‌ی نمونه‌های شعر خوب، به چشم می‌خورد. میراکوهن لیو نیگستون (Myra Cohnlivingston) نویسنده‌ی کتاب «شعرسازی» روزی که دخترکش از یک اردوی دانش‌آموزی بازگشته بود، برای پیراهن او چنین شعری سرود:

پیراهن

پیراهن من،

تو بهترین چیز من هستی

هر چند که امروز رنگ و رو پریده‌ای

اما هیچ کس نمی‌داند

در روزهای نو بودنت

چه حرف‌هایی به زبان می‌آوردی

شعرهای روایی (منظومه)

شعر روایی، داستان می‌سراید، نخستین منظومه‌هایی را که در دوران کودکی‌تان شنیده‌اید، به خاطر بیاورید [یا مثل‌هایی چون «دویدم و دویدم» و «کک به تنور»]. کودکان از شعرهای روایی لذت می‌برند و این ویژگی، تعجب آور نیست. آن‌ها منظومه‌ها را می‌شناسند و از شنیدن آن لذت می‌برند. بیشتر شعرهای داستانی که برای کودکان سروده شده، کوتاه و از چند رویداد ساده تشکیل شده است. هر چند در میان کتاب‌های شعر کودکان انگلیسی زبان، منظومه‌های بلندی چون «سوارکاری پل ریور» و «هیواتا» نیز دیده می‌شود (منظومه‌های «پریا» و «دختران ننه دریا» از نمونه‌های منظومه‌های بلند کودکان فارسی زبان است).

منظومه (شعر - داستان)‌ها، هم چون قصیده‌ها از عناصر شخصیت‌پردازی، درون مایه و پیرنگ برخوردارند که در یکی از قالب‌های گوناگون شعری سروده شده. در منظومه‌های لانگ فلو (Leng fellow)، حتی یک رویداد ساده و کوچک، به یاد ماندنی می‌شود. میلن (A.A. Milne)، هنسری وادز ورت (Henry Wadsworth) و رزماری و استفان و نسان بنت (Rosemary and Stephen Vincent Benet)

از منظومه‌پردازان مشهور انگلیسی زبان به شمار می‌روند. منظومه‌پردازانی چون ژاک پره لوتسکی (Jack Prelutsky)، ایلین فیشر و (Aileen Fisher) شل سیلور استاین (Shel Silverstein) نیز از شاعران پرکار امروز کودکان هستند.

بلندخوانی شعر، سبب می‌شود که واژه‌ها به درستی به کار روند و شنوندگان شعر، از حس

موسیقایی آن بهره‌مند شوند. بلندخوانی شعرهای داستانی، درک مفهوم را افزایش می‌دهد. کودکان زیبایی کاربرد واژه‌ها را در شعر می‌ستایند؛ حس ارزش‌گذاری شعری‌شان افزایش می‌یابد و ضرباهنگ شعر را دوست دارند. خوانش چندباره‌ی منظومه‌ها، سبب می‌شود که کودکان بتوانند آن‌ها را به خاطر بسپارند و به کار برند. شاعران تلاش می‌ورزند تا سرودن شعرهای داستانی را تجربه کنند. در برخی از کتاب‌ها، هم چون «روزهای نان زنجبیلی»، «عسل قهوه‌ای در چای» و «شنیده‌ام که در سرزمینی...»، از جویس کارول توماس (Joyce Carol Thomas)، نمونه‌هایی از شعرهای داستانی آمده است.

شعر غنایی (Lyric)

شعر غنایی، در بردارنده‌ی احساسات و بیان حس‌های درونی شاعر است؛ شعرهایی که برخی از کودکان به آن دل بسته‌اند. این نوع شعر، سرشار از احساسات و اندیشه‌های سرریز کرده‌ی شاعر است. هرگونه شعر درونی و احساسی را می‌توان شعر غنایی نامید، اما بیشتر آن‌ها آواز گونه‌اند و بر یکی از حس‌های درونی انسان تأکید می‌ورزند.

اصطلاح شعر غنایی، از واژه‌ی یونانی لیر (Lyre)، به معنای «چنگ» ساخته شده و بیانگر همراهی آن با موسیقی است. شعر «صبح شده»، از کتاب زنگوله‌های کودکان، اثر الینور فارجون (Eleanor Farjean)، نمونه‌ای از شعرهای غنایی است.

صبح آغاز شده

همانند تمام صبح‌ها

پرنده‌ی سیاه، گرم آواز شده

همانند نخستین پرنده‌ها

برای آواز خواندن دعا کن

برای صبح دعا کن

برای آن‌ها دعا کن

با رویشی تازه از کلمات

ریزش دلنشین باران تازه

و آفتابی از بهشت

همانند نخستین شبنمی

که بر نخستین سبزه‌ها می‌نشیند

برای طراوت باغ خیس از باران

دعا کن

که هر جا پا می‌نهند

غرقه در تکامل می‌شود

آفتاب از آن من است

صبح دلنشین از آن من است

زاده از نخستین پرتوها

بهشتی سرشار از بازی

با غرور دعا کن



هر روز دعا کن
خداوند روز تازه‌ای را
آفریده است

بسیاری از شعرهای کودکانه، به دلیل برخورداری از ویژگی شاعر انگلی و آکندگی احساس شخصی، به شعرهای تغزلی تعلق دارد. شعرهای تغزلی باید بارها خوانده و سروده شود. دانش‌آموزان نوجوان که از نمادها و نشانه‌های زبانی درکی ژرف دارند، به شعرهای غنایی ارزش ویژه‌ای می‌دهند. شعر تغزلی، نیازمند آن است که کودکان در رویارویی با شعر، به احساسات درونی‌شان اعتماد کنند؛ زیرا معناپذیر نبودن احساسات در شعر، از ویژگی‌های آن است. جویس کارل توماس، ترانه‌های قدیمی را که مادران، هنگام تکان دادن گهواره و پدران، هنگام در آغوش گرفتن کودکان، برای خواباندن آن‌ها زمزمه می‌کرده‌اند، در کتابی به نام لالایی‌های آفریقایی - آمریکایی: ترانه‌های خاموش

(Africa, American Lullabies: Hush Songs) گردآوری کرده است؛ نوای دلنشین و آرامی که با واژه‌های آرام‌بخش و رویکرد جادویی در خوابانیدن کودکان همراه است:

لالایی - لالایی
چرا گریه می‌کنی؟
بخواب، کوچولوی من
وقتی بیدار شدی
همه اسب‌های زیبا
مال تو می‌شوند

شعر آزاد

شعر آزاد، شعری است بی‌قافیه و با الگویی بی‌قاعده که گاه نوعی وزن درونی دارد. ویژگی‌های شعر آزاد، در نوع قرارگرفتن آزادانه واژه‌ها در صفحه، موضوع آن و لبریز شدن اندیشه‌های سرشار است. آموزگاران که کودکان را به سرودن شعر آزاد ترغیب می‌کنند، آن‌ها را از دشواری پیدا کردن وزن و قافیه می‌رهانند. در شعر «دیروزی بودن، شعرهایی از یک زندگی»، لی بنت هاپکینز (Lee Bennett Hopkins)، زندگی نامه خود را به شعر درآورده است. یکی از شعرهای این کتاب، در ستایش آموزگاری است که به آرزوی او در نویسنده شدن توجه کرده بود:

آموزگارم، خانم اتل کی توی از ما پرسید:
وقتی بزرگ شدی
دوست داری چه کاره شویدی؟
بچه‌های ردیف جلو
داد زدند؛ پلیس، پرستار، سرباز!
ملوان، دانشمند، قصاب، آتش‌نشان
وقتی نوبت به من رسید:

گفتم: نویسنده

لویی قهقهه‌های زده گفت:

نویسنده؟ چه شغل عجیبی!

خانم توی گفت:

فکر نمی‌کنم نویسنده شدن

کار عجیبی باشد.

هر کسی حق دارد حرف خودش را بزند،

نویسنده شدن

انتخاب ظریفی در زندگی است.

در آن لحظه خاص

و در آن روز به یاد ماندنی

احساس کردم که دیوانه‌وار

خانم توی را دوست دارم

دو مجموعه «آتشی در دستم» و «چکامه‌های

همسایگان» که به وسیله گری سوتو (Gary Soto)

گردآوری شده، شعرهای آزاد را دربرمی‌گیرد.

اگرچه کودکان در ابتدای آشنایی با شعر،

شعرهای موزون و قافیه‌دار را بیشتر می‌پسندند،

زمانی که شعرهای آزادی را ببینند، بخوانند و

بنویسند، ارزشگذاری به آن‌ها را نیز فرامی‌گیرند.

هایکو و شعرهای ۵ بیتی

واژه هایکو (Haiku)، به معنای «آغاز»

است. شعر هایکو بیشتر در بردارنده طبیعت،

رویدادهای لحظه‌ای، هیجان‌ها و احساسات ظریف

و زودگذر است. شعر هایکو از سه سطر و هفده

سیلاب تشکیل شده.

خط اول ۵ سیلاب، خط دوم ۷ سیلاب و خط

سوم ۵ سیلاب دارد. شعر هایکو بیشتر بر تصویری

متمرکز می‌شود که از یک فکر و احساس تشکیل

شده. دانش‌آموزانی که این نوع شعر را تجربه

می‌کنند، نباید بر شمارش سیلاب‌ها تأکید ورزند.

درعوض، بهتر است اندیشه‌شان را آزادانه به نمایش

بگذارند. پل جانسکو (Paul Janecgko)، بر

این باور است که هایکو بیشتر طبیعت روستایی را

به نمایش می‌گذارد. البته خود او در شعرش، به نام

«نیمکت سنگی در پارکی خلوت» هایکوهایی

سروده که طبیعت زیبای خیابان‌های هر روزه شهر

را نشان می‌دهد. جین یولن (Jame Yolen)،

و آنیتا وینتز (Anita Wintg) نیز هایکوهایی از

این دست سروده‌اند:

کبوترهای خرامان

بر نرده‌های آب انبار شهر

رقص باران می‌کنند

یا:

کبوتران، از روی بشکه‌های قیر

بر پشت بام خانه‌ای اجاره‌ای

سراسیمه به پرواز درمی‌آیند

از بین هایکوهای دیوید مک کرد (Davi me Cord)،

در مجموعه شعر «روزی روزگاری»، این هایکو را

می‌خوانیم:

پروانه را بگیر!

طبیعت برای آفرینش او چه تلاشی به کار

برده است

پس برای چه عمرش

چنین کوتاه است!؟

شاعرانی که به شعر هایکو روی می‌آورند،

هنگامی که بر جوهر معنایی شعر تأکید دارند، گاه با

ایجاد تغییر در تعداد سیرلاب‌های هر سطر، بر

گستره بیان شعرها می‌افزایند. ایسا (Jssa)،

شاعر نام آور ژاپنی، در مجموعه شعر «چیزی به

مترسک نگو»، چنین می‌سراید:

به کجا می‌تواند بگریزد

حلزون

زیر بارش باران؟

یا:

کم‌تر کسی می‌داند

که این درخت به زودی بریده خواهد شد

در حالی که پرندگان بر آن لانه می‌سازند

هر چند آموزگاران، شعرهای هایکو را دوست

دارند، پژوهش‌های تری، در دستهبندی سلیقه

کودکان، نشان می‌دهد که شعر هایکو را همه

کودکان دوست ندارند؛ نکته‌ای که آموزگاران

علاقه‌مند به هایکو باید به آن توجه داشته باشند،

خواندن کتاب «باد در دستان من، داستانی از ایسا»،

نوشته هاناکو فوکورا (Hanako Fukura)،

جوهر و ماهیت هایکو را برای علاقه‌مندان روشن

می‌کند.

پنج بیتی (Cinquain) ها، شامل پنج سطر

شعری‌اند که وزن ندارند. و اغلب از چینش ۴، ۲، ۴،

۸ و ۶ سیلابی تشکیل شده است. گونه ساده شده

پنج بیتی، با پنج سطر ۱، ۲، ۳، ۴ سیلابی و یک

واژه در سطر پنجم، که مترادف عنوان شعر است،

همراه می‌شود. نظم و چینش پنج بیتی به این

شکل است:

سطر ۱، عنوان واژه‌ای که همیشه یک اسم

است

سطر ۲، دو واژه که عنوان را توصیف می‌کنند

سطر ۳، سه واژه که رویداد شعری را بیان

می‌کند

سطر ۴، چهار واژه که هیجان و احساس را

نشان می‌دهد

سطر ۵، یک واژه که به عنوان شعر مترادف

است

پنج بیتی‌های زیر، نمونه‌هایی از تلاش

دانش‌آموزانی است که پس از خواندن این گونه

شعرها، آن‌ها را سروده‌اند:

عطسه‌ها و بینی بالا کشیدن‌ها

سرفه‌ها

عطسه‌های بیابانی

نرفتن به مدرسه، ندیدن دوستان
چه قدر خانه نشستن خسته کننده است
و چه قدر کسالت آور

○

زیستگاه من

بندر واشنگتن

روستایی خواب آلود

بزرگ و شلوغ

تنها کار مناسب

خانه ماندن است!

هایکو و پنج بیتی، از انتزاعی‌ترین شعرهایی است که کودکان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. وجود نشانه‌های زبانی و خیال‌های دشوار در این گونه شعرها، کودکان علاقه‌مند به شعر را غافلگیر می‌کند. از این روی، پیش از رویارویی با این گونه شعرها، بهتر است کودکان با گونه‌های ساده‌تر شعری آشنا شده باشند.

شعر غیر تخیلی

در شعر کانکریت (غیرتخیلی)، از شکل چینی واژه‌ها در صفحه، برای نشان دادن معنا و مفهوم شعر استفاده می‌شود. کودکان این گونه شعرها را شعرهای شکلی (یا تصویری) می‌نامند. شکل نمادین چینی واژه‌ها، موضوع شعر را به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که شکل کلی آن، به صورت یک نشانه درمی‌آید؛ یک نماد تصویری و گرافیکی که برای نشان دادن یک کلمه به کار می‌آید. به این ترتیب، شکل چینی واژه‌ها، موضوع شعر را به تصویر می‌کشد؛ هم چون شعر «آسمان خراش»:

من

یک آشیانه

فلزی، شیشه‌ای و بتونی هستم

با صد و دو طبقه

ساختمان بلندی که در روزهای روشن

از ۲۰۰ مایلی دریای آتلانتیک دیده می‌شود

و صدها آدم را هم چون مورچه‌ها می‌توانی

بینی

در حالی که با گام‌های کوتاه‌شان

به هرسو می‌دوند...

شعر فکاهی (طنز) (Limerick)

شعر فکاهی، نوعی شعر ساده ۵ خطی است که آرایش وزنی آن، با الگوی آ-آ-ب-ب-آ-همخوانی دارد. سطرهای ۱، ۲ و ۵ که هم وزن هستند از

واژه‌های ۳ هجایی و سطرهای ۳ و ۴ (که با هم هم وزن هستند) از واژه‌های دو هجایی تشکیل شده. این گونه شعرها، توجه کودکان را جلب می‌کنند زیرا با شوخی و طنز همراه است و وزن و قافیه منظمی دارد. ادوارد لیر (Edward Lear) و (۱۸۸۸-۱۸۱۲)، در سرودن این گونه شعرها نام آور بود. کتاب او به نام «هیچانه‌ها» که در سال ۱۸۴۶ به چاپ رسید، هنوز هم مورد علاقه مردم انگلیسی زبان است. شعر طنز، معمولاً انسان‌های از خودراضی را دست می‌اندازد و آن‌ها را رسوا می‌کند. در شعر «جیبی پر از هیچانه‌ها»، اثر جیمز مارشال (James Marshall)، طنزی درخشان در لا به لای واژه‌ها و تصویرهای کتاب به چشم می‌خورد:

پیرمردی از کشور پرو

خواب می‌دید که می‌خورد کفش هاشو

هول می‌کرد و می‌پرید از خواب

دست و پا می‌زد و می‌شد بی‌تاب

اما توی تاریکی می‌دید مثل روز

خودش و کفش‌هایش سالمند هنوز

دانش آموزانی که طبع بذله‌گو و شوخ دارند،

شعرهای فکاهی را با علاقه می‌خوانند. برخی از

این شعرها عامیانه‌اند و سینه به سینه نقل شده‌اند؛

بدون آن که شاعر اصلی آن مشخص باشد، مانند

این یکی:

مگس و پشه

با دل غشه

افتاده بودند توی تنور

گیرکرده بودند مثل موش کور

مگسه می‌گفت: بالاتر بریم!

پشه می‌گفت: با سر بریم!

یکهو دوتایی، با داد و بیداد

شدند با هم سوار باد

بیرون آمدند از توی تنور

رفتند و با هم، دور دور دور

کودکان با خواندن شعرهای هیچانه،

می‌خندند و شاد می‌شوند؛ زیرا بازی‌های وزنی و

زبانی این شعرها را دوست دارند (در زبان فارسی،

با نمونه‌هایی چون: هاچین و واچین و لی لی لی

لی حوضک رو به رو هستیم).

قصیده

قصیده، داستان توصیفی بلندی است که به

شعر سروده شده و اغلب به صورت آواز و ترانه

خوانده می‌شود. نوع وزن در قصیده‌های معمولی،

بلند و کوتاه متفاوت است. یک قصیده معمولی

انگلیسی، دارای یک بند چهار مصرعی است که

مصرع اول و سوم آن، وزن ۴ بخشی و مصرع‌های

دوم و چهارم آن، دارای وزن‌های ۳ بخشی است.

ترتیب قافیه آن نیز معمولاً به صورت آ، ب، آب در

آید. (مصرع‌های اول و سوم با هم و مصرع‌های دوم و چهارم با هم قافیه‌اند).

آرایش وزنی این شعرها گاهی نیز به صورت آ، ب، پ، ب است (هم قافیگی مصرع‌های ۲ و ۴).

ترتیب قافیه در قصیده‌های بلند و کوتاه، کمی متفاوت شکل می‌گیرد.

پات لسی (Pat Lessie)، افسانه‌های از

وپ را در کتاب خود، به نام «طعم افسانه: بازنویسی

ازوپ با دوبیتی‌های قافیه‌دار»، بازنویسی کرده و به

شعر درآورده. در شعر «چه کسی باد را دیده؟»

کریستینا روزتی (Christina Rossetti)، از

قالب قصیده کوتاه استفاده کرده است (با

ستون‌های شعری ۳ و ۴ و ۳ در هر سطر و هم

قافیگی آ، ب، پ، ب در هر دو بیتی انگلیسی زبان):

کی باد را دیده؟

نه من، نه تو بی‌گمان

اما وقتی برگ‌ها می‌لرزند

باد می‌گذرد از میان‌شان

○

کی باد را دیده؟

نه تو، نه من

اما وقتی درخت‌ها سرخم می‌کنند

باد می‌گذرد مثل توسن

قصیده‌ها تغزلی‌اند و روایتی از یک رویداد و یا

اندیشه‌ای شاعرانه و مشخص را دربرمی‌گیرند.

برخی از شاعران برای بیان روایی شعر، از ترجیع

بندها و سطرهای تکراری در شعر استفاده می‌کنند.

در شعر «آبراهام لینکلن، مردی برای همه»، سروده

میرا کوهن لیوینگستن (Cohn Livingston)

(Myra)، سختی‌های زندگی لینکلن، در قالب یک

قصیده به شعر درمی‌آید. در شعر دیگری از او، به

نام «بهم بخوانیم، شعری از ماریون اندرسون را»،

به موفقیت‌های ماریون اندرسون، خواننده بزرگ

اشاره می‌کند.

قصیده‌ها به دو گونه ادبی و عامیانه سروده می‌شوند.

قصیده‌های عامیانه، شاعران شناخته‌شده‌ای ندارند و به

صورت آواز درآمده‌اند. قصیده جان هنری (Henry

John)، شعر عامیانه معروفی است. آوازخوان مشهور

امروز، هم چون بث اورتون (Beth Orton)، تریسی

چاپمن (Tracy chapman)، وان موریسون

(Van Morrison)، جیمز تیلور (James Taylor)

کی، دی. لانگ (K. d. Lang) و پل سیمون

(paul Simon)، قصیده‌های فراوانی را به صورت

آواز خوانده‌اند. مضمون قصیده‌ها در بردارنده کنش‌های

قهرمانان، شهیدان، عاشقان سرخورده و کوین

خواهی‌هاست. کتاب «گلچین ترانه‌های آمریکایی»،

نوشته کارل سندبرگ (Carl Sandburg)،

مجموعه‌ای از قصیده‌های کهن در مورد

کارگران راه آهن، چوب‌برها و گاوپرانان است.